بررسی معنایی تکرار در زبان فارسی

محمد راسخ‌مهند
(دانشگاه بوعلی سینا)

چکیده

در ایــن مقالــه ویژگیهــای معنــایی فراینــد تکــرار [reduplication] از حیــث رده‌شناختی در فارسی بررسی شده است. ابتدا به بررسی تکرار در مقولات اسم، صفت، قید و فعل در فارسی پرداخته‌ایم و به این نتیجه رسیده‌ایم که در حــدود نیمی از ساختهای تکرار تغییر مقوله صورت می‌پذیرد. آن‌گاه بر اســاس دیــدگاه موراوچیک (۱۹۷۸)، رُژیه (۱۹۹۸) و کاجیتانی (۲۰۰۵) معنای تکرار را در چهار طبقه افزایش کمیت، کاهش کمیت، افــزایش شــدت و کــاهش شــدت بررســی کرده‌ایم. این معانی در واقع تغییری است که تکرار در معنای پایه ایجاد می‌کند. در پایان، تطابق داده‌های زبان فارسی با برخی تعمیم‌های رده‌شــناختی در رابطــه با معنی تکرار را نشان داده‌ایم.
کلیدواژه ها:

مقدمه

تکرار فرایندی است که بخشی از واژه پایه یا کل آن را کپــی کــرده و بــه پایــه متصــل می‌کند. به جای اصطلاح تکرار در فارسی از دوگانساخته یا اتباع نیز استفاده شده است. تکرار می تواند پیش‌تکرار[pre-reduplication] یا پس‌تکــرار [post-reduplication] باشــد (هسپلمات۲۰۰۲ ص ۲٤). اگر بخش کپی شده به قبل از پایه اضافه شــود، پــیش‌تکــرار است (مانند دک *و* دهن)، و اگر به بعد از پایه اضــافه شــود، پــس‌تکــرار اســت (ماننــد *کتاب‌متاب*). فرایند تکرار را از حیث ساخت آوایی و صرفی آن بررسی کرده‌انــد. مــثلاً اینکه کدام واکه، همخوان یا هجا تکرار می‌شود و یا اینکه آیا بخش تکرارشده واژه یــا بخشی از آن است (موراوچیک ۱۹۸۷). تکرار را از حیث ساخت بــه دو نــوع کامــل و ناقص تقسیم کرده‌اند. در تکرار کامل یک سازه (واژه یا گروه نحوی) تکرار مــی‌شــود، مانند *راه راه*، *جویده جویده*، *بزن بزن*، *شلپ شلپ*. اما در تکرار ناقص قسمتی از کلمه پایه تکرار می‌شود مانند *مزمزه*، *پت‌وپهن*، *شروشور*، *تپل‌مپل*، *قلمبه‌سلمبه*، *پرت‌وپلا*.

شقاقی (۱۳۷۹) انواع تکرار در فارسی را از حیث کامل و ناقص بودن بررسی‌کرده و آنها را دسته‌بندی کرده‌است. طباطبایی(۱۳۸٤) نیز ساخت تکرار یا اتباع را از حیث ساخت واژگانی آن بررسی‌کرده است. ذاکری(۱۳۸۱) نیز به بررسی اتباع در فارسی پرداخته است اما دسته‌بندیها و تعاریف وی از اتباع منطبق بر نظریه زبانشناختی مشخصی نیست و در برخی موارد مفاهیمی را با همدیگر خلط کرده است. مثلاً وی کلماتی مانند *زادوولد*، *دروغ‌ودغل*، *پوک و پوچ*، *و سفت و سخت* را نیز که حاصل ترکیب اجزای معنی‌دار هستند، در طبقه اتباع قرار داده است (ص ۱۳). وی در مورد معنای اتباع آورده است که "غرض از اتباع عمدتاً یکی از امور زیر است: الف- افاده معنی تکرار یا تعدد برای تفهیم مطلب و اصرار بر آن، ب- آوردن لواحق و ضمائم یک مفهوم به آن، ج-افاده معنی کمال و تمامیت یا اطلاق و عدم قید و شرط برای محکم‌کاری، د- افاده معنی شدت و سختی یا حداکثر و حداعلای چیزی، ه- افاده معنی زیاد بودن و فراوانی یا تداوم، و- افاده معنی نامطلوب بودن، ز- افاده گونه‌گونی و تنوع و توزیع (همان،ص ٦٥ و٦٦). ذاکری برای این موارد توضیحی نمی‌دهد و به جز دو سه مورد مثالی هم ارائه نمی‌کند.

این مقاله به بررسی ویژگیهای معنایی ساخت تکرار در فارسی اختصاص‌دارد. در مورد ویژگیهای معنایی این ساخت در فارسی بحث مشخصی صورت نگرفته است. شقاقی (۱۳۷۹ص٥۲٥) عنوان می‌کند که ساخت تکرار در فارسی برای مفاهیمی همچون تاکید، شدت، افزایش، تداوم، انبوهی، بی‌شماری و جنس و قسم به کار می‌رود. طباطبایی (۱۳۸٤) اشاره‌ای به ویژگیهای معنایی تکرار نمی‌کند. تنها سادات تهرانی (۲۰۰۳) به بحث معنایی یک نوع تکرار در فارسی اشاره کرده است که در بخش (۲) آمده است. در این مقاله با استفاده از دیدگاههای موراوچیک (۱۹۷۸)، رُژیه (۱۹۹۸) و کاجیتانی (۲۰۰٥) که به بحث معنایی تکرار پرداخته‌اند، ویژگیهای معنایی این فرایند در زبانهای مذکور بررسی شده است. در بخش (۱)، سه مقاله مذکور معرفی شده و در بخش (۲)

به بررسی معنایی فرایند تکرار در فارسی پرداخته شده است. در بخش (٤) یافته‌های مقاله در زبان فارسی با تعمیم‌های رده‌شناختی که در بخش (١) آمده است، مقایسه شده‌اند.

١ بررسی معنایی تکرار در زبانهای مختلف

در این بخش به معرفی سه اثر در زمینه بررسی معنایی تکرار در زبانهای مختلف می‌پردازیم. موراوچیک (١٩٧٨) به بررسی رده‌شناختی تکرار در زبانهای مختلف از حیث صوری و معنایی پرداخته است. او عنوان می‌کند که تکرار در زبانهای مختلف معانی شبیه به هم دارد (ص ٣١٦). او دو نکته کلی درباره معنی تکرار عنوان می‌کند. نخست این که معنی ساخت غیرتکراری همیشه زیرمجموعه ای از معنی ساخت تکراری است. مثلاً ساخت تکراری *کتاب متاب* در فارسی شامل معنای *کتاب* نیز می‌شود. یعنی معنای آن معادل است با *کتاب* به علاوه چیزی دیگر. نکته دوم این‌که ساختهای تکراری معانی‌ای به دست می‌دهند که گاهی اوقات در تقابل با همدیگرند. مثلاً در یک زبان تکرار می‌تواند هم برای نشان دادن افزایش کمیت [augmentation] و هم کاهش کمیت[diminution] به کار رود (همان ص ٣١٧). اگر در معنای تکرار در مقایسه با معنای پایه افزایش تعداد دیده شود، معنای افزایش کمیت به پایه اضافه شده است. مثلاً در فارسی ساخت تکرار *دک‌ودهن* نسبت به پایه *دهن* به بیش از یک چیز (دهن) اشاره می‌کند و در واقع در تعداد مصداقها فزونی یافته است، ازاین‌رو معنای افزایش کمیت به پایه اضافه شده است. حالت برعکس این مورد کاهش کمیت است. وی عنوان می‌دارد که پربسامدترین معنایی که ساختهای تکراری در زبانهای مختلف نشان می‌دهند افزایش کمیت است که می‌تواند شامل افزایش مصداقها یا افزایش تاکید باشد. در مورد افزایش مصداقها، مصداقها می‌توانند شرکت‌کنندگان در عمل یا خود عمل باشند. برای نشان‌دادن افزایش شرکت‌کنندگان در عمل اسم یا فعل تکرار

می‌شوند، اما برای نشان‌دادن افزایش عمل، فعل تکرار می‌شود (همان ص ۳۱۸ و مثالهای مربوطه از زبانهای مختلف). یکی از معانی تکرار، جمع بستن اسم است که در بسیاری از زبانها دیده می‌شود. همچنین موراوچیک مثالهایی می‌آورد که معنای ساخت تکراری افزایش شدت [intensification] و در برخی موارد کاهش شدت [attenuation] است (ص ۳۲۰). معنای افزایش شدت را می‌توان در مقایسه *تندتند* با پایه *تند* درک کرد. در ساخت تکرار معنای صفت *تند* افزایش پیدا کرده است و در واقع شدیدتر شده است. معنای کاهش شدت را نیز می‌توان در مقایسه ساخت *یواش یواش* و پایه *یواش* متوجه شد که معنای ساخت تکرار در واقع *یواشتر از یواش* است و نوعی کاهش شدت به پایه اضافه شده است.

رُژیه[Regier 1998] نیز به بررسی ویژگیهای معنایی تکرار پرداخته است. او اظهار می‌دارد که اگرچه رابطه میان لفظ و معنی در زبان قراردادی است، اما این قاعده استثنائاتی هم دارد که یکی از آنها در ساخت تکرار است. به نظر وی معانی تکرار در زبانهای مختلف به هم نزدیک است و شامل مفاهیمی چون کوچکی، عدم کنترل، جمع، شدت، بچه‌گانه بودن، محبت، تداوم و تکمیل می‌شود. به نظر وی این مفاهیم نامحدود نیستند و در یک حوزه معنایی قرار می‌گیرند. او عنوان می‌دارد این معانیِ به ظاهر مختلف حاصل تعامل دو اصل تصویرگونگی [iconicity] و بسط معنایی [semantic extension] هستند. از دیدگاه وی رابطه میان ساخت تکرار و معنای بچه‌گانه بودن، جمع و مکرر بودن بر اساس اصل تصویرگونگی قابل پیش بینی است و معانی دیگر بر اساس بسط معنایی از این سه معنی اولیه حاصل می‌شود. به عنوان مثال بچه‌گانه بودن از حیث معنایی می‌تواند به کوچک‌بودن و معنای عاطفی بسط پیدا کند، به همین دلیل در ساختهای تکرار این معانی نیز دیده می‌شود.

کاجیتانی (۲۰۰۵) نیز به بررسی معنی در ساخت تکرار در زبانهای مختلف پرداخته است. او با بهره‌گیری از دیدگاه موراوچیک (۱۹۷۸) و اوسپنسکی (۱۹۷۲) به این مسئله

می‌پردازد که در معانی تکرار، افزایش کمیت و افزایش شدت بر کاهش کمیت و کاهش شدت غلبه دارد و دلیل این امر اصل تصویرگونگی است. او با بررسی ساخت تکرار در شانزده زبان به این نتیجه رسیده است اگر در این زبانها کاهش کمیت و شدت را بتوان با ساخت تکرار نشان داد، می توان افزایش کمیت و شدت را نیز با همین ساخت نشان داد (کاجیتانی ۲۰۰۵ ص ۱۰۰). همچنین داده‌های این زبانها نشان می‌دهند اگر در زبانی ساخت تکرار برای نشان دادن افزایش شدت به کار رود، حتماً برای نشان دادن افزایش کمیت هم به کار می‌رود و اگر برای نشان دادن کاهش کمیت به کاررود، برای نشان دادن کاهش شدت هم به کار می‌رود (همان ص ۱۰۱و۱۰۲).

۲ بررسی معنایی تکرار در فارسی

در این بخش به بررسی معنایی تکرار در فارسی می‌پردازیم. ابتدا در بخش (۲-۱) به این مسئله می‌پردازیم که چه مقولات واژگانی در فارسی می‌توانند تکرار شوند؟ آیا تکرار منحصر به مقولات خاصی است یا شامل همه مقولات می‌شود؟ و درعین‌حال آیا تکرار باعث تغییر مقوله واژگانی پایه می‌شود یا خیر؟ بخش (۲-۲) را به بررسی معانی مختلف حاصل از تکرار در فارسی اختصاص داده‌ایم.

۲-۱ تکرار در مقوله های واژگانی مختلف

در فارسی پایهِ ساخت تکرار می‌تواند اسم، فعل، صفت و قید باشد. نمونه های (۱) تا (٤) مثالی از تکرار در این طبقات واژگانی است. تکرار در طبقه حروف اضافه و سایر طبقات دستوری وجود ندارد.

۱) تکرار اسم

کتاب‌متاب، راه‌راه، پیچ‌درپیچ، چشم‌وچار، دک‌ودهن، خط‌خطی، اخم‌وتخم، سرتاسر، بادبادک، آش‌ولاش، خاک‌وخل

۲) تکرار فعل

بشکن‌بشکن، روروک، پل‌وپخت، تارومار، ندیدبدید، رفت‌که‌رفت، بخوربخور،

۳)تکرار صفت

کج‌وکوله، خردوخاکشیر، شلوغ‌پلوغ، لختی‌پختی، کت‌وکلفت، تنگاتنگ، هول‌هولکی، سُرسُره، تق‌ولق، کم‌کم،

٤)تکرار قید

آهسته‌آهسته، لرزان‌لرزان، خوش‌خوشان

در میان نمونه‌هایی که از ساخت تکرار جمع‌آوری شده، تکرار اسم بیشترین تعداد را دارد و تکرار قید و فعل کمترین هستند. از میان ۱۵۸ مورد ساخت تکرار، تکرار اسم ۹۳ مورد، تکرار صفت٤۲ مورد، تکرار فعل ١٦ مورد و تکرار قید ۱۰ مورد بوده‌اند. البته ساختهایی نیز بودند که در گروه نام‌آواها قرار می‌گیرند و نمی‌توان پایه آنها را مشخص‌کرد که در نمونه های جمع شده لحاظ نشده‌اند. مثلاً در *خش‌خش*، *بع‌بع*، *غرغر*، *پچ‌پچ*، *خس‌خس*، *غل‌غل*، *تاپ‌تاپ*، *قلپ‌قلپ* و *خُرخُر* که نام‌آوا هستند نمی‌توان پایه را تعیین‌کرد و مقوله خاصی برای آن در نظر گرفت. ازاین‌رو در بررسی معنایی تکرار نام‌آواهایی که حاصل این ساخت بوده‌اند لحاظ نشده‌اند.

اما نکته دیگری که در این زمینه مورد بررسی قرارگرفت، تغییر مقوله پس از فرآیند تکرار است. در برخی موارد مقوله پایه و مقوله ساخت تکراری همانند هستند و تغییری صورت نگرفته است، مانند *آهسته/آهسته آهسته* که هر دو قید هستند، *دهن/دک و دهن* هر دو اسم، *پهن/ پت‌وپهن* هر دو صفت، و *رفت/رفت‌که‌رفت* که هر دو فعل هستند. در ادامه به بررسی تکرار در چهار طبقه واژگانی مذکور می‌پردازیم.

کمترین نوع تکرار وقتی است که مقوله پایه قید است. از ۱۵۸ مورد ساخت تکرار، ده مورد تکرار قید است. از میان این ده مورد، نه مورد تکرار کامل و یک مورد تکرار

ناقص است (*الکی پلکی*). در هیچ یک از موارد مذکور مقوله پایه عوض نشده است و همه موارد حاصل از تکرار نیز قید هستند.

از موارد بررسی شده، در ۱٦ مورد فعل یا بن فعل پایه ساخت تکرار بوده است. از این میان ده مورد تکرار کامل (*بزن بزن، کشان کشان، مرد که مرد*)، و ٦ مورد تکرار نـاقص هستند. از میان موارد تکرار ناقص، ۲ مورد پیش‌تکرار (*پل و پخت، نـک و نـال*)، و ٤ مورد پس‌تکرار (*بفهمی نفهمی، ندید بدید، پخته نپخته، ساخت و پاخت*) هستند. از ۱٦ مورد مذکور فقط در ۳ مورد مقوله پایه که فعل بوده تغییر نکـرده اسـت و ایـن مـوارد همگی حاصل الگوی زایای فعل+که+فعل در فارسی هستند (*مرد کـه مـرد، رفـت کـه رفت*) (رک سادات تهرانی ۲۰۰۳). در ۸ مورد مقوله فعل پس از تکرار به اسـم تبـدیل شده است (مانند *بزن بزن*)، در ۳ مورد به قید تبدیل شده است (مانند *بفهمی نفهمـی*، *رفته رفته*) و در ۲ مورد به صفت تبدیل شده است (مانند *ندید بدید، پخته نپخته*).

در داده‌های مورد بحث ٤۲ ساخت تکرار است که پایه آنها صفت است. از این میان ۱۲ ساخت تکرار کامل و ۳۰ ساخت تکرار ناقص هستند. در سـاختهای تکـرار نـاقص، ٦ مورد پیش‌تکرار و ۲٤ مورد پس‌تکرار هستند. از حیث تغییر مقوله در ٦ مورد مقوله پایه که صفت است پس از تکرار به اسم تبدیل شده‌اند، و در ۷ مورد به قید تبدیل شده‌اند. در داده‌های مورد بررسی موردی نبود که تکرار صفت را به فعل تبدیل کرده‌باشـد. ۲۹ مورد از موارد مورد بررسی هم پس از تکرار تغییر مقوله نداده بودند.

از موارد بررسی شده ۹۳ مورد تکرار اسم بوده اند که بیشترین مورد تکـرار هسـتند. از این موارد ٥۲ مورد تکرار کامل و ٤۱ مورد تکرار ناقص هستند. از این میـان ۱۳ مـورد پیش‌تکرار و ۲۸ مورد پس‌تکرار هستند. از حیث تغییر مقوله، در ٤۲ مورد مقوله پس از تکرار تغییر نکرده و همچنان اسم باقی مانده است. در ۲۱ مورد مقوله پایه به قید و در ۲۲ مورد هم به صفت تبدیل شده است. و در هیچ موردی به فعل تبدیل نشده است.

با بررسی موارد فوق می توان نتیجه گرفت در حدود نیمی از ساختهای تکرار تغییر مقوله صورت می‌پذیرد. در واقع در ٧٤ مورد از ١٥٨ مورد مقوله تغییر کرده و در ٨٤ مورد تغییر نکرده است. ساخت حاصل از تکرار می‌تواند در چهار مقوله اسم، صفت، قید و فعل قرار گیرد. در جدول ١ تعداد ساختهای تکرار در این چهار طبقه و تغییر مقوله در آنها مقایسه شده است.

طبقه	تعداد کل	تغییر مقوله پایه	عدم تغییر مقوله پایه
اسم	٩٣	٤١	٤٢
صفت	٤٢	١٣	٢٩
فعل	١٦	١٣	٣
قید	١٠	صفر	١٠

جدول ١. مقایسه تکرار در طبقات واژگانی فارسی

در بخش بعد به تغییرات معنایی در هر کدام از مقولات بررسی شده خواهیم پرداخت و در نهایت الگوی تغییر معنایی را که حاصل تکرار در فارسی است به دست خواهیم داد.

٢-٢ معانی مختلف تکرار در فارسی

بر اساس دیدگاه موراوچیک (١٩٧٨) معنای تکرار را در چهار طبقه افزایش کمیت، کاهش کمیت، افزایش شدت و کاهش شدت بررسی کرده‌ایم. این معانی در واقع تغییری است که تکرار در معنای پایه ایجاد می‌کند. هرچند در هر یک از طبقات معنایی فوق می‌توان زیرمجموعه‌های معنایی نیز مشاهده‌کرد، اما به وضوح می‌توان گفت معنای تکرار را در این چهار طبقه می توان مشاهده کرد. در این بخش ابتدا به تغییرات معنایی

در تکرار چهار مقوله واژگانی مذکور می‌پردازیم، آن‌گاه معانی تکـرار در فارسـی را بـه صورت آماری نشان می‌دهیم.

معانی تکرار را در چهار طبقه قید، فعل، صفت و اسم در فارسی بررسی‌کرده و به نتایج زیر دست یافتیم.

الف. در مورد معانی تکرار قید، در هر ده مورد، افزایش یا کاهش شدت به معنای پایـه افزوده شده است. در شش مورد افزایش شدت و در چهار مورد کاهش شدت به معنای پایه افزوده شده است. در هیچ یک از این موارد افزایش یا کاهش کمیت به معنای پایه اضافه نشده است. در قیدی مانند *تندتند*، معنای افزایش شدت به پایه *تند* اضافه شـده است ولی در ساخت *یواش یواش*، معنای کاهش شدت به پایه *یواش* اضافه شده است. به عبارتی *تندتند* از *تند* شدیدتر است اما *یواش یواش* از *یواش* آرامتر است.

ب. از میان موارد تکرار فعل، در ٤ مورد تکرار معنای افزایش کمیت را به پایـه اضـافه کرده است. مانند بزن/بزن بزن که در ساخت تکرار نوعی معنای افزایش کمیت وجـود دارد. همچنین در ۳ مورد افزایش شدت به معنای فعل پایه افـزوده شـده اسـت،ماننـد *ساخت/ساخت و پاخت* که در معنای ساخت تکرار نوعی افزایش درجه و شدت کـار وجود دارد. یا مثلاً در *ندید/ندیدبدید*، معنای ساخت تکرار افزایش شدت معنای پایـه است. در ۹ مورد بقیه معنای کاهش شدت به معنای پایه افـزوده شـده اسـت. مـثلاً در *بفهمی / بفهمی نفهمی*، شدت معنای ساخت تکرار از شدت معنای ساخت پایـه کمتـر است. یا در ساخت زایایی مانند *رفت که رفت و مُرد که مُـرد*، معنـای سـاخت تکـرار نوعی کم کردن تاثیر معنای فعل پایه است (رک سادات تهرانی ۲۰۰۳). به ایـن ترتیـب در مورد معنای تکرار فعل سه معنای افزایش کمیت، افزایش شـدت و کـاهش شـدت دیده می شود.

ج. در بررسی معنایی تکرار صفت می توان گفت در اکثر موارد تکـرار باعـث افـزایش شدت معنای پایه شده است. از ٤۲ مورد تکرار صفت، در ۳۲ مورد این وضعیت دیـده

می شود. مثلاً در پاره/پاره پوره، ساخت تکرار باعث افزایش شدت در معنی پایه شـده اسـت. همـین ویژگـی را مـی تـوان در معـانی سـاختهاییماننـد *غلـط/غلـط غلـوط*، *چرب/چرب و چیل*، *پیر/پیرپاتال*، *شیک/شیک و پیک*، و *فراوان / فت و فراوان* مشاهده کرد. از آنجا که صفت بیشتر به معنای درجه و شدت کیفیتی اشـاره مـی کنـد، پـس از تکرار نیز این ویژگی را در اکثر موارد، بویژه مواردی که مقوله تغییر نمـی کنـد، حفـظ کرده است. از ده مورد باقی مانده در تکرار صفت، در ۵ مورد افزایش کمیـت صـورت گرفته است، که در اکثر این موارد مقوله صفت بـه اسـم تبـدیل شـده اسـت. مـثلاً در *گند/گندمند*، مقوله پایه صفت و مقوله پس از تکرار اسم است و معنای افزایش کمیـت را به پایه اضافه کرده است. در ۵ مورد هم معنای کاهش شدت به معنای پایـه افـزوده شده است، مثلاً در *تنها/تنهاتنها*، ساخت حاصله باعث کاهش شدت معنای پایـه شـده است.

د. در مورد تغییرات معنایی در مقوله تکرار اسم می‌توان گفت بیشترین تغییر معنایی بـه افزایش کمیت برمی‌گردد. در ۷۱ مورد از ۹۱ مورد بررسی شده معنـای سـاخت تکـرار نسبت به معنای پایه افزایش کمیت پیدا کرده است، مانند *راه/راه راه*، *پهلو/پک و پهلـو*، *دندانه / دندانه دندانه*، *گون / گوناگون*، *خاک / خاک و خل*. در ۱۲ مورد تکرار اسم نیز معنای افزایش شدت به پایه ضافه شده است مانند *شیر/شیرتوشیر*، *جیغ/جیغ جیغو*. در ٦ مورد معنای کاهش شدت به معنای پایه افزوده شده است،ماننـد *شـوخی / شـوخی شوخی*، *بازی /بازبازی*. در ۲ مورد هم معنای کاهش کمیت به پایه اضافه شـده اسـت، مثلاً *باد/بادبادک*.

جدول (۲) تنوع معانی تکرار در چهار مقوله واژگانی اسم، صفت، فعل و قید در فارسی را نشان می دهد.

معنی/طبقه	اسم	صفت	فعل	قید	مجموع
افزایش کمیت	۷۱	٥	٤	–	۸۰

افزایش شدت	۱۲	٤۲	۳	٦	٦۳
کاهش کمیت	۲	–	–	–	۲
کاهش شدت	٦	٥	۹	٤	۲٤

جدول (۲) معانی تکرار در فارسی

۳. بحث و نتیجه گیری

همانطور که در بخش (۱) عنوان شد موراوچیک (۱۹۷۸ص۳۱۷) بـر ایـن نکتـه اذعـان دارد که تکرار می‌تواند معانی متقابل ایجاد کند. این قاعده از جدول فوق قابل اسـتنباط است زیرا در فارسی هم تکرار می‌تواند معنای افزایش کمیت در مقابـل کـاهش آن، و افـزایش شـدت در مقابـل کـاهش آن را نشـان دهـد. همچنـین موراوچیـک(۱۹۷۸) و اوسپنسکی (۱۹۷۲) اظهار می دارند کـه بیشـترین معنـای تکـرار در زبانهـای مختلـف افزایش کمیت و شدت است. همانگونه که جدول فوق نشان می دهد در فارسی نیز از ١٦٩ مورد تکرار بررسی شده، در ١٤٣ مورد افزایش کمیـت و شـدت بـه معنـای پایـه اضافه شده و فقط در ۲٦ مورد کاهش شدت و کمیت مورد نظر بوده اسـت. همچنـین کاجیتانی (۲۰۰٥ص ۹٤) بر اساس نظرات اوسپنسـکی (۱۹۷۲) عنـوان مـی دارد کـه از حیث رده‌شناختی افزایش کمیت بیشتر از افـزایش شـدت، و کـاهش شـدت بیشـتر از کاهش کمیت در زبانهای مختلف دیده می شود. داده‌های فارسـی نیـز بـا ایـن تعمـیم رده‌شناختی مطابقت دارند، چون بسامد معنای افزایش کمیت بیشتر از افـزایش شـدت است و بسامد معنای کاهش شدت نیز بیشتر از کاهش کمیت است. بر اساس دو قاعده در کاجیتانی (۲۰۰٥ص ۱۰۱ و ۱۰۲) اگر در زبانی کاهش کمیت را بتوان با تکرار نشان داد، افزایش کمیت را نیز می توان نشان داد و اگر کاهش شدت را بتوان با تکرار نشان داد، افزایش شدت را نیز می‌توان با تکرار نشان داد. داده های فارسی این دو قاعـده را تایید می کند. کاجیتانی (۲۰۰٥ص۱۰۲) سلسله مراتب معنایی برای تکـرار در بـیش از هشتاد درصد زبانهای دنیا را به صورت افزایش کمیت← افـزایش شـدت ← کـاهش

شدت ←کاهش کمیت ارائه می‌کند. داده‌های فارسی نیز این سلسله‌مراتب را تایید می‌کند. در واقع وقتی تکرار افزایش کمیت و افزایش شدت را به معنای پایه اضافه می‌کند، مطابق با اصل تصویرگونگی در زبان رفتار می‌کند که صورت طولانی‌تر معنای بیشتر را افاده می‌کند. در بیشتر موارد تکرار در فارسی نیز مطابق با اصل تصویرگونگی است.

منابع

شقاقی، ویدا (۱۳۷۹) " فرایند تکرار در زبان فارسی"، *مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس زبانشناسی نظری و کاربردی، جلد اول*، به کوشش دکتر سید علی میرعمادی، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، صص ۵۱۹-۵۳٤.

طباطبایی، علاء الدین (۱۳۸٤) "اتباع" در *دانشنامه زبان و ادب فارسی، جلد اول*، به سرپرستی اسماعیل سعادت،تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، صص ۲۰۳-۲۰۵.

ذاکری، غلامحسین (۱۳۸۱) *اتباع و مهملات در زبان فارسی*، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

Ghomeshi, Jila, Ray Jackendoff, Nicole Rosen & Kevin Russell (2004) "Contrastive Focus Reduplication in English (The salad-salad paper)," *Natural Language and Linguistic Theory*, Vol. 22, 307-357.

Ghaniabadi, Saeed (2005) "M/p-echo Reduplication in Colloquial Perisan: An OT Analysis," MS, University of Manitoba .

Grohmann, Kleanthes K. & Andrew I. Nevins (2004) "On the syntactic expression of pejorative mood," *Linguistic Variation Yearbook,* 4:1, pp. 143-179.

Haspelmath, Martin (2002) *Understanding morphology*, London, Arnold.

Inkelas, Sharon (2005) "Morphological Doubling Theory I: Evidence for morphological doubling in reduplication," in *Studies in Reduplication*, Berhard Hurch (ed.), Mouton de Gruyter, Berlin, pp. 63-88.

Kajitani, Motomi (2005) "Semantic properties of reduplication among the world's languages", *LSO working papers in linguistics 5 : proceedings of WIGL*, 93-106.

Lidz, Jeffrey (2001) 'Echo Reduplication in Kannada and the Theory of Word-Formation', *The Linguistic Review* 18, 375-394

Moravcsik, Edith (1978) 'Reduplicative Constructions', in Joseph H. Greenberg, (ed.) *Universals of Human Language, Vol. 3: Word Structure*, Stanford University Press, Stanford, 297-334.

Regier, Terry (1994) "A preliminary study of the semantics of reduplication", *Technical report TR-94-019,* International computer science institute, Berkeley, California.

Regier, Terry (1998) "Reduplication and the Arbritrariness of the Sign," in *Proceedings of the Twentieth Annual Conference of the Cognitive Science Society*, M. Gernsbacher and S. Derry (eds.), Lawrence Erlbaum Associates, Marhway, NJ, pp. 887-892.

Sadat-Tehrani, Nima (2003) "The "Indifference-*ke* Construction" in Modern Conversational Persian," *Linguistica Atlantica*, Vol. 24, pp. 43-70

Uspensky, B.A. (1972) "Subsystems in language, their interrelations and their correlated universals", *Linguistics: an introductional review* 88:53-71.

The Semantic Analysis of Reduplication in Persian

Mohammad Rasekh Mahand (Bu-Ali Sina University)

This paper studies the semantic properties of reduplication in Persian from a typological view. In half of the reduplicated words, the category of base has changed.

Typologically, reduplication has four main semantic effects: augmentation, diminution, intensification, and attenuation. Persian data approve that reduplication may produce opposite meanings, while augmentation and intensification are its main semantic effects. The hierarchy of reduplication in Persian, in line with more that 80 per cent of the world's languages, is augmentation> intensification> attenuation> diminution, reflecting the iconic nature of this process.

Keywords: reduplication, typology, augmentation, intensification.